

مطالعه مقایسه ای عوامل اجتماعی موثر بر توفیق یا عدم توفیق شورایاران محلات منطقه ۱۹ تهران^۱

طلیعه خادمیان^۲، صدیقه محمدیگی^۳

چکیده

این مطالعه باهدف بررسی عملکرد شورایاران از دیدگاه شهروندان و تعیین میزان توفیق یا عدم توفیق آنها در رسیدن به اهداف و برنامه ها با استفاده از نظریه های مربوط به سرمایه اجتماعی و طبقه اجتماعی پرداخته است. پژوهش حاضر از نظر روش مطالعه، کمی و از نظر نوع در قلمرو تحقیقات کاربردی قرار می گیرد و برای جمع آوری داده ها از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش عبارت است از شهروندان محدوده شهرداری منطقه ۱۹ و حجم نمونه نیز با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۵ نفر محاسبه گردیده و از روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای برای تعیین محلات استفاده شده است. از مجموع مقایسه عوامل موثر بر موفقیت شورایاران در آزمونهای آماری مشخص شد نقش سرمایه اجتماعی به عنوان عامل اجتماعی بیشترین تاثیر را در موفقیت شورایاران دارد. بعد از آن به ترتیب اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی و در نهایت طبقه اجتماعی در توفیق شورایاران موثر بوده است. بنابراین سرمایه اجتماعی موثرترین و طبقه اجتماعی کم تاثیرترین عامل اجتماعی در توفیق یا عدم توفیق شورایاران می باشد. از مقایسه این عوامل چنین حاصل شده که طبقه اجتماعی و سرمایه اجتماعی هر دو به یکدیگر اثرگذار هستند. همچنین میزان موفقیت شورایاران از دیدگاه شهروندان پایین بوده است..

واژگان کلیدی: شورایاران، موفقیت، سرمایه اجتماعی، طبقه اجتماعی.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۶/۲۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۲/۱۶

^۱ مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه مطالعه مقایسه ای عوامل اجتماعی موثر بر توفیق یا عدم توفیق شورایاران محلات منطقه ۱۹ تهران (۱۳۹۲) دانشگاه آزاد آشتیان است.

^۲ استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال (Email: Sonia_khademian@yahoo.com)

^۳ کارشناس ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان (Email: zohre.beygi@gmail.com)

مقدمه

شهرها به عنوان بارزترین جلوه های تمدنی بشریت بشمار می روند. به همین دلیل شکوفایی تمدنهای پیوسته با بالندگی شهرها همراه بوده است. هر چند سابقه پیدایش اولین شهرها به ۵۵۰۰ سال قبل باز می گردد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۹)، اما شهرنشینی معاصر در پی انقلاب صنعتی از کشورهای غربی آغاز گردید. (عظیمی، ۱۳۸۱: ۲۲) با افزایش روند مهاجرت از روستاها به شهرها، تقاضا برای زمینهای شهری افزایش یافته و سوداگری زمین و مسکن نیز رایج گردید. این جریان باعث رشد فیزیکی شهرها، گسترش حومه نشینی، پیدایش حاشیه نشینی و در نهایت موجب افت اهمیت و منزلت محله ها و بافت های قدیمی شهرها شد. می توان گفت شهرنشینی در ایران در دهه های گذشته از چنان شتابی برخوردار بوده که فرصت لازم برای آماده سازی زیرساخت ها و بسترهای مناسب زندگی شهری را نداشته است. گذشته از روی کارآمدن پیوسته حکومتهای تمرکزگرا و تحمیل مدیریت های از بالا به پایین - که به خودی خود حقوق مردم در اداره امور شهر را نیز نادیده انگاشته و یا محدود می کند - در دهه های اخیر، مهاجرت گسترده از روستاها و شهرهای کوچکتر به شهرهای بزرگ از یک سو و جابجایی زیاد جمعیت در خود شهرهای بزرگ از سوی دیگر، موجب تغییر سریع بافت جمعیتی محله های شهری شده است. در محله های نوساز شهری این پدیده با شدت بیشتری دیده می شود. ساکنان این محله ها به دلیل نداشتن اشتراکات و سابقه آشنایی قبلی با سایر هم محله ای ها، زمینه کمتری برای برقراری ارتباط با هم دارند.

ارتباط میان عملکرد خوب و حکومت دموکراتیک مورد تایید مجموعه ای از مطالعات مختلف مانند گزارش "جهان در حل شدن شهری" مرکز سکونت گاه های بشری سازمان ملل (۱۹۹۶) و تحقیق مشهور رابرت پاتنام (۱۳۸۰) در مورد شوراهای منطقه ای ایتالیا قرار گرفته است. این مطالعات نشان میدهند وجود حکومت های دموکراتیک محلی ارتباط نزدیکی با تامین بهتر نیازهای شهروندان و ارتقای سطح توسعه جامعه دارند. یکی از اهداف اصلی انقلاب اسلامی ایران نیز، مشارکت اجتماعی شهروندان در اداره امور جاری کشور و حق تعیین سرنوشت خویش بوده که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بدان اشاره و تأکید فراوان شده است. با تشکیل شوراهای شهر در سال ۱۳۷۷، گونه ای دیگر از مشارکت اجتماعی مردم در سراسر کشور شکل گرفت، چراکه شهروندان توانستند به صورت مستقیم بر مدیریت شهری منطقه سکونت خویش نظارت و ارزیابی کرده و در مسائل جاری نیز مشارکت فعال داشته باشند. در این باب، تصدی گری دولت کاهش یافته و حس مسئولیت پذیری جامعه شکل اساسی تری به خود می گیرد و به همین لحاظ، تشکیل شوراهای شهر، یکی از اهداف مشارکت اجتماعی شهروندان به حساب می آید. در این بین، سازمان های غیر دولتی (N.G.O)، انجمنهای محلی و شورایاری محلات، حلقه ارتباطی میان مدیریت محلی و مردم می باشند که در فرآیند تصمیم گیری جمعی و مشارکت اجتماعی شهروندان، نقش اصلی را ایفا می کنند؛ بالاخص شورایاران که به عنوان نهاد اجتماعی داوطلبانه در محلات و مناطق حوزه ذی نفوذشان به ارائه خدمات و یاری اعضای شورای شهر و مردم می پردازند (طاعتی، ۱۳۸۸: ۸). از این رو مطالعه عواملی که بر عملکرد نهادهای دموکراتیک تاثیر دارند یکی از موضوعات مورد توجه مطالعات توسعه است. در آثار موجود بررسی عملکرد نهادهای دموکراتیک سرمایه اجتماعی عامل تبیینی قوی تری نسبت به عوامل دیگر عنوان شده است. صاحب نظران مهم این نظریه (فوکویاما ۱۳۷۹؛ پاتنام ۱۳۸۰؛ کلمن، ۱۳۷۷) بیان می دارند جوامع با سرمایه اجتماعی افزون می توانند در حوزه های متعددی به اهداف عالی مانند توسعه اقتصادی، صلح محلی و دموکراسی دست یابند. اما جوامع با سرمایه اجتماعی اندک نیازمند کمک و یاری هستند تا به اهداف فوق برسند. تعدادی از تحقیقات که با استفاده از نظریه های اجتماعی عملکرد حکومت های محلی را در کشورهای توسعه یافته بررسی کرده اند، دیدگاه های فوق را تایید نموده اند. از همین رو در مطالعه حاضر سعی شده است عملکرد شورایاران از دیدگاه شهروندان و تعیین میزان توفیق یا عدم توفیق آنها در رسیدن به اهداف و برنامه های شورایاران را در نظریه های مربوط به سرمایه اجتماعی و طبقه اجتماعی بررسی نماید.

یکی از تحولات مهم در عرصه سیاسی - اجتماعی کشور تشکیل شوراهای شهر در سال ۱۳۷۷ بود. تا پیش از تشکیل این شوراهای، سازوکار اداره امور شهرها شکلی ساده، متمرکز و غیردموکراتیک داشت. شهردار از سوی استاندار یعنی یک مقام انتصابی دولتی مرکزی، انتخاب می شد و زیر نظر او به فعالیت می پرداخت. تشکیل شوراهای شهر سبب شد تا سازوکاری غیر متمرکز مبتنی بر انتخاب مردم، اداره امور شهرها را برعهده بگیرد. اگرچه تشکیل سازمانهای جمعی و دموکراتیک برای اداره شهرها در ایران سابقه ای صدساله دارد و در گذشته تجربه هایی چون "انجمن بلدیة" و "انجمن شهر" (آبراهامیان، ۱۳۸۷: ۱۲۱) وجود داشت، اما حیات آنها در مدیریت شهری بی دوام و ناپایدار بود. در دوران حاضر تشکیل شوراهای اسلامی شهرها نشانگر سیاست دموکراتیک کردن اداره شهرها از ناحیه دولت مرکزی است. انتظار آن است که با برخورداری از سازمان دموکراتیک محلی، توسعه نیافتگی شهری موجود را تا اندازه زیادی به سمت توسعه یافتگی هدایت کرد. شوراهای محلی از زمره سازوکارهایی هستند که در صورت نهادینگی می توانند در سطح محلی به ایجاد دموکراسی، ارائه خدمات و انسجام اجتماعی یاری رسانند. توسعه شوراهای محلی می تواند موجب گسترش نهادهای غیردولتی، افزایش مشارکت مردم در اداره امور خود و پاسخگو نمودن نهاد مدیریت شهری شود (ازکیا و ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۴: ۳۳). شورایاری ها در ایران مشابه همان نهادی هستند که در سایر کشورها، شورای محله یا شورای اجتماع محلی نامیده می شوند. این شوراهای نماینده منتخب مردم برای ارتباط با مدیریت شهری هستند و با توجه به وظایفی که برای آنها در محدوده محله تعریف شده است، در بسیاری از خدماتی که مدیران شهری در محلات انجام می دهند، سهم هستند (طاعتی، ۱۳۸۸: ۸). طبق آمار و شواهد شورایاران منطقه ۱۹ از منظر مسئولان توانسته اند موفقیت نسبی داشته باشند. به گفته مسئولان شورایاری در شهرداری منطقه ۱۹ آنها با ایجاد تعامل مناسب بین مسئولان شهری و شهروندان سهم خوبی در آبادانی محله شان داشته اند. با توجه به این ارزیابی نسبی در این تحقیق برآن شدیم تا این ارزیابی را از نگاه شهروندان مورد بررسی قرار داده و عوامل اجتماعی موثر بر توفیق یا عدم توفیق آنان را شناسایی کنیم.

از چند دهه پیش به پایین ترین سطح حکومت تحت عنوان «حکومت محلی» اشاره شده است و اکنون ناکارآمدی دیدگاه های مبتنی بر روابط صرفاً رسمی سازمانی مشخص گردیده است. پیتر هال و اولریش فایفر در کتاب «آینده شهری قرن ۲۱»، توسعه ی پایدار شهری را با مفهوم «حکمرانی شهری» پیوند می دهند و یک حکمرانی شهری مطلوب را، نوعی از حاکمیت می دانند که پایداری را در ابعاد مختلف، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی مد نظر قرار دهد (هال و فایفر؛ ۱۳۸۸: ۱۸۷). در این دیدگاه بر همکاری سازمان های غیردولتی (NGOs)، سازمان های محله و اجتماع محور (CBOs) در کنار سایر کنشگران اعم از دولت، بخش خصوصی و ساکنین محلات و غیره تأکید می شود. درگیر شدن هر یک از این سطوح، بحث های جدیدی را وارد ادبیات توسعه ی پایدار کرده است که از آن جمله توسعه مبتنی بر اجتماع محلی است (ذکایی، ۱۳۸۳: ۴۵).

یکی از دلایل و ضرورت های تشکیل نهادهای داوطلبانه مردمی و محله ای ایجاد بستری برای شکل گیری ارتباط و تعامل سازنده و فراگیر بین ساکنین محدوده های محلی با یکدیگر از یک سو و با تشکل ها و نهادهای مردمی از سوی دیگر است. در صورت برقراری ارتباط و تعامل ضلع سومی نیز تشکیل خواهد شد که آن ارتباط با نهادها و دستگاه های دولتی مسوول محله ای یا فرا محله ای است. شورایاران مبنای مشارکت دادن اقشار جامعه و نمایندگان آنها در مراحل تصمیم گیری و تصمیم سازی کشور هستند و می توانند بازوان توانای شورای شهر و مجموعه مدیریت شهری برای حل معضلات محلی باشند. در واقع می توان گفت شورای اسلامی شهر تهران توجه به سرمایه های اجتماعی محلات را در دستور کار خود قرار داده تا با احیای این سرمایه در محلات خدمات مدیریت شهری با دگرگونی های محلی و تمایلات شهروندان، بهتر سازماندهی می شوند. حضور شهروندان به خصوص شورایاران که از افراد بومی محله ها هستند، می تواند در ارتقای سطح خدمت رسانی در محله ها مفید واقع شود. به همین دلیل شورای اسلامی شهر تهران از این سرمایه اجتماعی بیشترین سود را برده و به دنبال ایجاد ارتباطی در سطح پایین تر است. چراکه ارتباط شورای اسلامی

شهر تهران با مردم محلات بسیار کم‌رنج است و از اینرو شورایاران یکی از راه ارتباطی آنها با مردم است. اما نکته ای که همیشه می تواند مورد چالش قرار بگیرد، تطبیق دیدگاه مسئولان و شهروندان است. از آنجا که مسئولان با هدف خدمتگزاری بیشتر به مردم این نهاد را ایجاد کرده اند، لازم است در یک پژوهش میزان موفقیت شورایاران را از دیدگاه شهروندان مورد بررسی قرار داده و عوامل اجتماعی موفقیت و عدم موفقیت آنها بدست آید تا آنهایی که در موفقیت شورایاران موثرند، تقویت و عوامل اجتماعی که تاثیر منفی دارند و باعث عدم موفقیت شورایاران شده اند، شناسایی گردد و در نهایت با ارائه راهکارهای موثر برای تقویت یا رفع آنها بیان شود.

اهداف پژوهش

اهداف اصلی

سنجش میزان موفقیت شورایاران منطقه ۱۹ از دیدگاه شهروندان منطقه ۱۹

دست یابی به عوامل اجتماعی موثر در موفقیت یا عدم موفقیت شورایاران محلات منطقه ۱۹
مقایسه عوامل اجتماعی موثر در موفقیت یا عدم موفقیت شورایاران محلات منطقه ۱۹ با یکدیگر

مروری بر پژوهش های انجام شده

شادمان فر، رضا (۱۳۷۷) از بررسی تاثیر الگوی مشارکتی شورایاران محلات در شهر تهران بر مشارکت شهروندان تهرانی با مدیریت شهری نتیجه می گیرد: شورایاری های بر گرایش شهروندان به مشارکت، برهنجارهای ذهنی شهروندان در مورد مشارکت، در نهادینه شدن مشارکت شهروندان و شورایاری ها در فراهم شدن امکان مشارکت شهروندان با مدیریت شهر موثر هستند.

علایی، سوسن (۱۳۸۸) در بررسی تشکیل شوراهای محله ای راهی برای حل مشکلات شهری؛ به ویژگی های تاریخی و فرهنگی کشور و بر اساس اهمیت و ضرورت استفاده از توانمند سازی ساکنان محله ها، ضمن بیان نمونه هائی از مشکلات ناشی از نادیده گرفتن حقوق مردم در محل زندگی خود تشکیل شورا های محله ای به عنوان راه حلی اصولی برای رفع مشکلات شهری پیشنهاد گردیده است. مهم ترین هدف این طرح جلب نظر مسئولان امر به شرکت دادن ساکنان شهرها در اداره امور شهری و توسعه محله ای می باشد که به همراه مزایا و نتایج آن بیان شده است. در آخر این مقاله اینگونه نتیجه گیری می کند که تشکیل شورا های محلی در شهرهای بزرگ می تواند راه حل موثری برای رفع مشکلات و معضلاتی اشد که در اثر گسترش شهرها طی سال های اخیر ایجاد شده اند. ساکنان محل به دلیل دلبستگی و تعلق خاطر عمیقی که به محل زندگی خود دارند سریع تر و بهتر می توانند به حل و فصل مشکلات و سرو سامان دادن به امور بپردازند. با سپردن امور محلی یعنی اموری که ساکنان و اهالی محل نسبت به اداره آنها علاقمند بوده و از منافع آن بهره مند می شوند، به شوراهای محلی، امکان مداخله و نظارت واقعی مردم بر اداره امور شهر در محل زندگی آنان فراهم می شود.

حسینی، شهلا (۱۳۸۸) در بررسی نقش و قدرت شورایاری ها در جذب مشارکت شهروندان نتیجه می گیرد: شورایاری ها را به عنوان نهادی مردمی مورد بررسی قرار می دهد که عملاً نقش نظارتی در محلات را بر عهده دارند و انگیزه تشکیل آنها، بستر سازی برای مشارکت مردم در اداره امور شهر می باشد. به بیان دیگر شورایاری ها پل ارتباطی بین شورای اسلامی و مردم هستند تا به این صورت و با مشارکت مردمی مسائل و مشکلات محلات مرتفع گردد. یافته ها نشان می دهد که در مناطق مختلف تهران دیدگاه های مختلفی در رابطه با قدرت، مشارکت و حضور زنان مطرح شده است.

شهبازی، مهدی (۱۳۸۸) نتیجه حاصل از مطالعه جامعه شناختی نقش سرمایه اجتماعی شورایاری های محله ها در توسعه محلی شهر تهران نشان می دهد: شورایاری ها با مسائل فراوانی نظیر بی سامانی و بی کارکردی اجتماعی، عدم مشارکت شهروندان و رهاشدگی مواجه اند. در واقع مفهوم و هسته مرکزی پژوهش عدم نهادینگی شورایاری محله هاست. عواملی که موجب پیدایش پدیده عدم نهادینگی شورایاران می شوند عبارتند از: عدم نهادینگی شورای اسلامی شهر، محدودیت های شورایاری، فقدان نظارت، ابهام در

قوانین و عدم تعامل متقابل برون گروهی است که در نهایت موجب محدودیت فعالیت های شورایاری محله ها در مدیریت محلی می باشد. دو راهبرد حمایت خواهی و نهادخواهی در حل این مسئله کمک می کند.

ملاحظات نظری

مفهوم سرمایه اجتماعی در سالهای اخیر وارد مباحث علوم اجتماعی گردیده و از اینرو بسیاری از اندیشمندان برای درمان مباحث توسعه نیافتگی و ناکارآمدی نهادهای دموکراتیک و مدنی از آن بهره جسته اند. سرمایه اجتماعی مفهومی مرکب از دو رشته جامعه شناسی و اقتصاد توسعه که موجب گردیده دو رویکرد متمایز درباره با کارآمدی گروه های انسانی تبدیل به یک رویکرد نظام یافته و منسجم شوند.

تعریف سرمایه اجتماعی و اجزاء آن از دیدگاه صاحب نظران

- الف: در نظر رابرت پاتنام سرمایه اجتماعی به خصوصیتی از سازمان اجتماعی نظیر شبکه ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که همکاری را برای سود متقابل تسهیل می کند (پاتنام، ۱۹۹۹: ۶). پاتنام مفهوم سرمایه اجتماعی را فراتر از سطح فردی به کار می گیرد و به چگونگی کارکرد سرمایه اجتماعی در سطح منطقه ای و ملی و نوع تأثیرات سرمایه اجتماعی بر نهادهای دموکراتیک و در نهایت توسعه اقتصادی علاقه مند است. اگرچه او از منافع خصوصی سرمایه اجتماعی نیز غافل نبوده و به صورت های عمومی و خصوصی و جهت فردی و جمعی سرمایه اجتماعی اشاره دارد اما به صراحت بیان می دارد که تمرکز و علاقه مندی خاص او منافع خارجی و بهره های عمومی سرمایه اجتماعی است (پاتنام، ۲۰۰۰: ۲۳ و پاتنام و گاس، ۲۰۰۲: ۷).
- ب: کلمن در تعریف سرمایه اجتماعی از نقش و کارکرد آن کمک گرفته و تعریف کارکردی از سرمایه اجتماعی ارائه می دهد. به نظر او سرمایه اجتماعی شیئی واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارد: اول همه آنها شامل جنبه ای از یک ساخت اجتماعی هستند، دوم کنش های معین افرادی که در درون یک ساختار قرار دارند را تسهیل می کنند و دستیابی به هدف های معین را که در نبود آن دست نیافتنی خواهند بود امکان پذیر می سازند. (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۲)
- ج: از نظر بوردیو سرمایه اجتماعی انباشت منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط نهادی شده از آشنایی و شناخت متقابل است یا به عبارت دیگر، عضویت در گروه برای هر یک از اعضایش از طریق حمایت یک سرمایه جمعی، صلاحیتی فراهم می کند که آنان را مستحق "اعتبار" به معنای مختلف می کند (بوردیو، ۱۹۷۷: ۱) از دیدگاه بوردیو سرمایه اجتماعی دو شاخص اساسی دارد: (۱) اعتماد (۲) پیوند
- د: از دید فوکویاما سرمایه اجتماعی را به سادگی می توان به عنوان مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش های غیر رسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهم هستند. هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می کنند، اساسا باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه باشند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۱-۱۲) از نظر فوکویاما سرمایه اجتماعی دو بعد اصلی دارد: (۱) ارزش های غیر رسمی (۲) هنجارهای غیر رسمی
- ه: از نظر لین، سرمایه اجتماعی از سه جز تشکیل شده است که منابع نهفته در ساختار اجتماعی، قابلیت دسترسی افراد به اینگونه منابع اجتماعی و استفاده یا گردآوری اینگونه منابع اجتماعی در کنش های هدفمند (لین، ۱۹۹۹: ۷) مباحث لین صرفا بر منافع فردی سرمایه اجتماعی متمرکز است و سرمایه اجتماعی را در درجه اول امری فردی می داند که افراد با انگیزه کسب سود برای خود، اقدام به سرمایه گذاری در روابط اجتماعی می نمایند.

نظریه پردازان سرمایه اجتماعی

به علت گسترش کیفی و کمی نظریه‌های سرمایه اجتماعی در دهه‌های اخیر، تنها دیدگاه‌های صاحب‌نظرانی که مباحث آن‌ها الهام‌بخش بوده و رویکردهای نظری اصلی این تحقیق را شکل داده‌اند، را مرور می‌نماییم:

پیر بوردیو: پیر بوردیو از اولین جامعه‌شناسان و محققانی است که به تحلیل سیستماتیک ویژگی‌های سرمایه اجتماعی پرداخت. به نظر بوردیو، سرمایه اجتماعی جمع منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که حاصل از شبکه‌ای بادوام از روابط کمابیش نهادینه‌شده، آشنایی و شناخت متقابل یا به بیان دیگر عضویت در یک گروه است. شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌کند و آنان را مستحق اعتبار می‌سازد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۴۷).

به نظر وی سرمایه اجتماعی، به عنوان شبکه‌ای از روابط، یک ودیعه طبیعی یا حتی یک ودیعه اجتماعی نیست، بلکه چیزی است که در طول زمان و با تلاش بی‌وقفه به دست می‌آید. به عبارت دیگر شبکه روابط، محصول راهبردهای سرمایه‌گذاری فردی یا جمعی آگاهانه یا ناخودآگاه است که هدفش ایجاد یا بازتولید روابط اجتماعی است که مستقیماً در کوتاه‌مدت یا بلندمدت قابل استفاده هستند.

کاربرد سرمایه اجتماعی در نزد بوردیو بر این درک استوار است که افراد چگونه با سرمایه‌گذاری بر روابط گروهی، وضعیت اقتصادی خود را در یک فضای اجتماعی سلسله‌مراتبی (جامعه سرمایه‌داری) بهبود می‌بخشند. از این جهت می‌توان رویکرد او را ابزاری، فردگرا و متأثر از تئوری سرمایه مارکس و بیشتر تضادگرا تلقی کرد (توسلی و موسوی، ۱۳۸۲: ۶).

جیمز کلمن: جیمز کلمن اولین محقق بود که به بررسی تجربی مفهوم سرمایه اجتماعی و عملیاتی کردن آن پرداخت. او در تحلیل و تبیین سرمایه اجتماعی به جای توجه به ماهیت و محتوای آن به کارکرد سرمایه اجتماعی توجه دارد. به نظر کلمن سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی شی واحدی نیست بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند:

- الف) همه آن‌ها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند (عناصر و پیوندهایی که حیات اجتماعی را تداوم می‌بخشند).
- ب) واکنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند اعم از اشخاص حقیقی یا عواملان حقوقی، تسهیل می‌کند و دستیابی به هدف‌های معین را که در نبود آن دست‌نیافتنی خواهند بود امکان‌پذیر می‌سازند (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۲).

جیمز کلمن به مانند پیربوردیو مفهوم سرمایه اجتماعی را از اقتصاد به جامعه‌شناسی آورد، رویکرد او بر اساس تئوری انتخاب عقلانی و توسعه یافته از کار پیشین او در نظریه مبادله اجتماعی است. برای او سرمایه اجتماعی نشان دهنده آنست که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند بعنوان منبعی برای آن گروه عمل نماید، او معتقد است که سرمایه‌ی اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود و به سرمایه اجتماعی به مشابه شیئی واحد نمی‌نگرد، بلکه آن را انواع چیزهای گوناگونی می‌داند که به زعم او دو ویژگی مشترک دارند:

- الف) همه آنها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند.
- ب) دوم آنکه سرمایه اجتماعی تنش‌های بین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می‌کند. برای کلمن مفهوم سرمایه اجتماعی نشان دهنده آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به عنوان منبعی برای اعضای آن گروه عمل نماید (کلمن، ۱۳۷۷: ۳۰۲).

کلمن اشکال عمده سرمایه اجتماعی را تعهدات و انتظارات، ظرفیت بالقوه اطلاعات، هنجارها و ضمانت‌های اجرایی مؤثر، روابط اقتدار، سازمان اجتماعی انطباق‌پذیر و سازمان تعهدی می‌داند.

رابرت پانتام: رابرت پانتام یکی از مهمترین نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی است. به باور او درحالی که سرمایه مادی به دارائیهای مادی و سرمایه انسانی به ویژگی‌ها و استعدادهای افراد اشاره دارد، سرمایه اجتماعی ناظر بر ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی، هنجارها

و اعتماد متقابل ناشی از آنهاست. پاتنام مفهوم سرمایه اجتماعی را فراتر از سطح فردی به کار می‌گیرد و به چگونگی کارکرد سرمایه اجتماعی در سطح منطقه‌ای و ملی و نوع تأثیرات سرمایه اجتماعی بر نهادهای دموکراتیک و در نهایت توسعه اقتصادی علاقمند است. به همین منظور در دو مطالعه تطبیقی میان ایالت‌های مختلف در امریکا و همچنین حکومت‌های منطقه‌ای تازه تاسیس ایتالیا در شمال و جنوب در دهه ۷۰، تأثیر سرمایه اجتماعی را در تقویت جامعه مدنی و کارآمدی دموکراسی از سویی و رشد و توسعه اقتصادی از سوی دیگر مورد بررسی قرار داده و به نتیجه تأثیر مثبت آن پی برده است (توسلی و موسوی، ۱۳۸۲: ۱۵) پاتنام سرمایه اجتماعی را آن دسته از عناصر و ویژگی‌های نظام اجتماعی (مانند اعتماد اجتماعی، هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های اجتماعی) می‌داند که هماهنگی و همکاری را در بین افراد یک جامعه برای دستیابی به سود متقابل تسهیل می‌کند (غریبی، ۱۳۸۹: ۱۳۸).

او برای فهم و ارزیابی سرمایه اجتماعی به چهار وجه تمایز اشاره دارد. پاتنام در این رابطه، سرمایه اجتماعی رسمی را در مقابل غیررسمی (انجمن‌ها یا مهمانی‌های دوره‌ای)، سرمایه اجتماعی متراکم در مقابل سرمایه اجتماعی پراکنده و ضعیف، سرمایه اجتماعی درون‌نگر در مقابل برون‌نگر (برحسب اختصاص منافع به افراد غیر عضو یا عموم مردم) و نهایتاً سرمایه اجتماعی محدود (بین افراد شبیه از نظر قومیت، سن و ...) در مقابل اتصالی (بین افراد غیر مشابه) مطرح می‌سازد (توسلی و موسوی، ۱۳۸۲: ۱۷).

پاتنام مقوله سرمایه اجتماعی را مرتبط با جمع و جامعه می‌داند و این مفهوم را اینگونه تعریف می‌کند: شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد، شرکت کنندگان را به همکاری جدی‌تر و کارآمدتر برای دستیابی به هدف‌های مشترک قادر می‌سازد، بنابراین پوتنام سرمایه اجتماعی را به عنوان همبستگی اجتماع محلی حاصل شده دارای ویژگی‌های ذیل می‌داند:

- وجود مجموعه‌ای متراکم از سازمان‌ها و شبکه‌های اجتماع محلی.
- سطوح بالای تعهد مدنی یا مشارکت در شبکه‌های اجتماعی محلی.
- هویت محلی قوی و مثبت و نیز احساس تجانس و برابری با اعضای اجتماع محلی.
- هنجارهای تعمیم یافته محلی مربوط به اعتماد و کمک متقابل بین اعضای اجتماع محلی و اینکه آیا آنها یکدیگر را به لحاظ شخصی می‌شناسند یا خیر.
- شبکه‌های مشارکت مدنی تجسم همکاری‌های موفقیت‌آمیز گذشته هستند که می‌توانند همچون الگویی فرهنگی برای همکاری‌های آتی عمل کند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۲۷۸).

عناصر و مولفه های سرمایه اجتماعی

باتوجه به آنکه این نظریه پردازان مولفه های اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی که در یک رابطه متعامل قرار گرفته و هر کدام تقویت کننده دیگری اند، را به عنوان عناصر سرمایه اجتماعی مورد تاکید قرار داده اند از اینرو این عناصر در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته اند.

اعتماد اجتماعی: تزومکا که در میان جامعه شناسان معاصر مبحث اعتماد اجتماعی را مورد عنایت ویژه قرار داده؛ معتقد است که توجه به اعتماد اجتماعی ایده جدیدی نیست، بلکه یک جریان چند قرن است. بنظر او "برخورداری جامعه جدید از ویژگی های منحصر بفردی چون آینده گرایی؛ شدت وابستگی متقابل، گستردگی و تنوع جوامع، تزیاید نقشها و تمایز اجتماعی، بسط نظام انتخاب، پیچیدگی نهادها و افزایش ابهام، ناشناختگی و تقویت گمنامی، و غریبه بودن نسبت به محیط اجتماعی، توجه به اعتماد اجتماعی و نقش آن در حیات اجتماعی شاهد رشد نوعی جهت گیری فرهنگ گرایانه که در خود نوعی چرخش از مفاهیم سخت به مفاهیم نرم را دارد. چنین چرخشی زمینه توجه عمیق تر به مفاهیم اعتماد را به دنبال داشته است و در طی دو دهه‌ی گذشته شاهد موج جدیدی از مباحث مربوط به اعتماد در مفاهیم علوم اجتماعی بویژه جامعه شناسی هستیم (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۲۸۰).

هر چه یک گروه اجتماعی دارای شعاع اعتماد بالاتری باشد، سرمایه اجتماعی بیشتری نیز خواهد داشت. چنانچه یک گروه اجتماعی برون گرایی مثبتی نسبت به اعضای گروههای دیگر نیز داشته باشد، شعاع اعتماد این گروه از حد داخلی آن نیز فراتر می رود.

انسجام اجتماعی: امیل دورکیم از اولین جامعه شناسانی است که مفهوم انسجام و همبستگی اجتماعی را مورد مطالعه قرار داده است و وجود آنرا برای هر جامعه ای لازم می داند.

جانان ترنر به نقل از دورکیم می گوید: انسجام وقتی رخ می دهد که عواطف افراد به وسیله نمادهای فرهنگی تنظیم شوند، جایکه افراد متصل به جماعت، اجتماعی شده باشند، جایکه کنشها تنظیم شده و به وسیله هنجارها هماهنگ شده اند و جایکه نابرابریها قانونی تصور می شود (اکبری، ۱۳۸۳: ۱۷).

بنابراین جوامع مادامی که جمعیت آنها اندک بوده و جوامعی ساده با باورها و ارزشهای محدود و ساده بودند انسجام در آنها مکانیکی بوده است اما دورکیم معتقد است جوامع سنتی در روند تکاملی خود تحت تاثیر عواملی، تغییراتی را در خود پذیرا می شوند مهمترین این عوامل از نظر دورکیم پیشرفت تقسیم کار است که باعث تحولی عظیم در این جوامع گشته و در حقیقت بدلیل تقسیم کار است که جامعه سنتی مبتنی بر انسجام مکانیکی به جامعه صنعتی مبتنی بر همبستگی ارگانیکی تبدیل می گردد (همان: ۱۸).

لذا وجود تقسیم کار است که جامعه ای با ماهیتی سنتی را به جامعه ای دگرگون شده و با ماهیتی صنعتی بدل می کند. تقسیم کار هر چه پیچیده تر و تخصصی تر می شود توافق روی دایره های اخلاقی کاهش می یابد و تمایزات بین افراد رشد میکند وفاق حاصل از انسجام مکانیکی جای خود را به وفاق جدیدی می دهد که برخاسته از انسجام ارگانیکی نظم جدید است (همان: ۱۸).

مشارکت اجتماعی: سازمان بین المللی کار مشارکت را سهم افراد یا گروههای سازمان یافته و جمعیت فعال، از لحاظ اقتصادی در تسریع اقتصادی و اجتماعی بیان می نماید (اکبری، ۱۳۸۳: ۲۹).

همچنین در تعریف مشارکت گفته شده: «مشارکت مردمی به معنای کوشش و تلاش جمعی در یک چارچوب سازمانی است که اعضا با ائتلاف منابع در صدد دستیابی به اهداف خودشان هستند. در نتیجه، مشارکت فرایندی فعال است که هر یک از مشارکت کنندگان به واسطه اندیشه، تأمل و نظارت فعالشان به اقدام و عمل مشارکتی ترغیب می شوند». او در بیان مفاهیم کلیدی این تعریف به موارد زیر اشاره می کند:

- مشارکت، فعالیت سازمان یافته از طرف مردم متحد و متجانس است که واحد اولیه آنرا متقاعد شدن افراد به کنش جمعی تشکیل می دهد؛
- مبادرت به کنش و عمل جمعی؛
- تفکر و تأمل مستقیم نسبت به کارها و فعالیتها؛
- نظارت بر فرایند مشارکت (از کیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۲۹۲ و ۲۹۱).

یونسکو نیز مشارکت را فرایندی برای خود آموزی اجتماعی و مدنی؛ حق بشر و پیش شرط توسعه " می داند و معتقد است توسعه باید از مردم و از آنچه می خواهد و از آنچه می اندیشند و باور دارند آغاز شود (اکبری، ۱۳۸۳: ۳۰).

بنابراین مشارکت اجتماعی را می توان فرایند سازمان یافته ای دانست که از سوی افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدفهای معین و مشخص به منظور سهیم شدن در منابع قدرت انجام می گیرد. شهود چنین مشارکتی، وجود نهادهای مشارکتی چون انجمنها، گروهها، سازمانهای محلی و غیر دولتی است (همان، ۲۹۳).

طبقه اجتماعی: از مفاهیم اساسی در جامعه شناسی مفهوم "طبقه اجتماعی" است که قدمت آن حتی به قبل از پیدایش رسمی این رشته علمی یعنی در طول تاریخ تفکر اجتماعی بشر بوده است. ژرژ گورویچ معتقد است که اولین بار مفهوم طبقه در مقاله "سهمی در نقد فلسفه حقوق هگل" در سال ۱۸۴۳ توسط کارل مارکس به کار رفته است (گورویچ ۱۳۵۷: ۳۲).

ماکس وبر درباره قشربندی اجتماعی، نظریه مارکس را تا حدودی تغییر داده است. دو تفاوت اساسی میان نظریه وی با مارکس وجود دارد: نخست، این که وبر، نظریه مارکس را می پذیرد که طبقه، بر پایه شرایط اقتصادی تعیین شده است، اما عوامل اقتصادی مختلف دیگری را نسبت به آن چه مارکس شناخته است، در شکل گیری طبقه، مهم می داند. بنابراین از نظر وبر تقسیمات طبقاتی، نه تنها از طریق کنترل یا فقدان کنترل وسایل تولید، بلکه از اختلافات اقتصادی که هیچ رابطه ای با دارایی ندارد ناشی می شود (وبر، ۱۳۶۷: ۷۸). دوم، این که وبر اعتقاد دارد طبقه اجتماعی، مجموعه افرادی است که فرصت های مشترکی در روابط بازاری دارند، یعنی از منظر خرید، درآمد و مصرف، وضعیت مشابهی دارند. وبر برخلاف مارکس برای تقسیم بندی گروه اجتماعی سه گروه اجتماعی را معرفی می کند: طبقه، شأن و حزب. وی معتقد است که یک منزلت اجتماعی می تواند متضمن چند طبقه اجتماعی و یک طبقه اجتماعی دیگر هم می تواند متضمن چند منزلت اجتماعی باشد. این نظریه انفعال وبری است، یعنی انفصال گروه های اجتماعی از یک دیگر که به سه نوع قشربندی اجتماعی از هم تفکیک پذیرند: ۱. طبقه اجتماعی به معنای خاص؛ ۲. سلسله مراتب منزلت های اجتماعی؛ ۳. سلسله مراتب قدرت های سیاسی.

به طور کلی ویژگی بارز تحلیل وبر از ساختار طبقاتی، کثرت گرا بودن آن است. این امتیاز همیشه برای وبر محفوظ خواهد ماند که برای نخستین بار در تاریخ جامعه شناسی نگرش چند بعدی به نابرابری های اجتماعی را مطرح کرده است (زاهدی، ۱۳۸۲: ۱۹۹). در حالی که مارکس تقریباً تأکید انحصاری بر عوامل اقتصادی به عنوان عامل تعیین کننده طبقه اجتماعی دارد وبر بیان می دارد که علایق اقتصادی باید به عنوان موردی خاص از مقوله بزرگ ارزشها نگریسته شود، مقوله ای که شامل موارد زیادی می شود که نه صرفاً اقتصادی اند و نه در راستای منافع قابل ارزیابی اند. برای وبر مدل مارکسیستی اگرچه منبعی برای فرضیات مفید است اما در نظر او، در این مدل پیچیدگی قشربندی بیش از حد ساده می شود. وبر بدین ترتیب می کوشد تا میان منابع مختلف تفکیک سلسله مراتب تمایز نهاد (لیپست و دیگران، ۱۳۸۱: ۴۱). در نگاه وبر مالکیت، قدرت و حیثیت با وجود وابستگی متقابل سه بنیان متمایزند که بر روی آنها نظام قشربندی در هر جامعه ای سامان می یابد (تامین، ۱۳۸۵: ۹). وبر قدرت نهادی شده را در سه عرصه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به تفکیک مورد بحث قرار می دهد. در این راستا به عقیده وی او در عرصه ی اقتصادی، طبقه، در عرصه اجتماعی پایگاه و در عرصه ی سیاسی، حزب (ارتباط سیاسی) نشانه و تبلور قدرت است (ملک، ۱۳۸۲: ۷۳).

حکمرانی خوب: یکی از مباحث مهم و در عین حال جدید که از دهه ۱۹۸۰ به بعد در ادبیات توسعه مطرح شده، موضوع حکمرانی خوب است. این موضوع به خصوص در کشورهای در حال توسعه و در راستای استقرار و نهادینه سازی جامعه مدنی از جایگاه ویژه ای برخوردار شده است. حکمرانی ایده جدیدی است که جایگزین مفهوم حکومت شده است. طبق مفهوم فوق، تصمیم گیری های مربوط به شهر و کلان شهرها با اجماع کل صاحبان منافع دخیل در شهر صورت می گیرد. برای هموار سازی بستر تحقق گذار از حکومت گرایی به شهروندمداری نیازمند آموزش های جدید برای ایجاد و تثبیت حاکمیت قانون و حقوق شهروندی، وفاق گرایی، مشارکت، پاسخگویی و شفافیت، کارایی و اثربخشی هستیم که ضرورت اخذ آن هم برای شهروندان و هم مدیران و کارگزاران شهری روشن و واضح است. بنابراین حکمرانی را میتوان کنش، شیوه یا سیستم اداره دانست که در آن مرزهای بین سازمانها و بخش عمومی و خصوصی در سایه یکدیگر محو میشوند. جوهره حکمرانی به وجود روابط متعامل بین و درون حکومت و نیروهای غیرحکومتی اشاره دارد (برک پور؛ اسدی، ۱۳۸۸: ۱۸۸).

ویژگی های حکمرانی خوب: حکمرانی خوب دارای ۸ مؤلفه اصلی است. این مؤلفه ها عبارتند: از مشارکتی بودن، اجماع محوری، پاسخگویی، شفافیت، مسوولیت پذیری، کارایی و اثربخشی، جامعیت و عدم تبعیض میان شهروندان و نهایتاً حاکمیت قانون. حکمرانی خوب تضمین کننده کمینه شدن فساد، احترام به نظر اقلیتها و اقشار آسیب پذیر در انجام تصمیم گیری است. همچنین حکمرانی خوب در قبال نیازهای کنونی و آینده جامعه مسوول است. اکنون به بررسی تک تک اجزای آن می پردازیم.

۱) مشارکت: مشارکت سنگ بنای اصلی حکمرانی خوب به شمار می رود. مشارکت مردم می تواند به صورت مستقیم و یا از طریق نهادهای مشروع واسط میان دولت و آنها یا نمایندگان منتخبشان باشد. البته باید دقت کرد که ایجاد دموکراسی الزاماً به معنای دخیل ساختن توقعات و انتظارات اقشار آسیب پذیر در اتخاذ سیاستها نیست بلکه مشارکت باید سازماندهی شده باشد و از طریق ابزارهای تعریف شده محقق می گردد.

۲) حاکمیت قانون: حکمرانی خوب نیازمند چارچوبهای قانونی بی طرفانه ایست که غیر مغرضانه اجرا شوند. خصوصاً باید حقوق بشر و در رأس آن حقوق اقلیتها حفظ گردد. اجرای بی طرفانه قانون تنها با وجود سیستم قضایی مستقل و نیروی پلیس سالم انجام پذیر است.

۳) شفافیت: شفافیت به معنای اتخاذ تصمیمات و اجرای آنها مطابق قوانین و مقررات است. همچنین به معنای دسترسی آزاد مردم به اطلاعاتی است که می تواند بر زندگی آنها تأثیر گذار باشد. در این راستا باید اطلاعات کافی تهیه گردد و به صورت قابل فهم در اختیار عموم قرار داده شود.

۴) مسئولیت پذیری: در حکمرانی خوب سازمانها و نهادها باید در خدمت ذینفعان باشند و در قبال وظایف محوله مسئول باشند. هر مشکل یا بحران در سطح جامعه می بایست توسط سازمان و بخش مربوطه مدیریت شود و هیچ معضلی وجود نداشته باشد که کسی خود را در قبال آن مسئول نداند. فرافکنی و توهم توطئه از جمله مواردی هستند که همواره برای فرار از مسئولیت پذیری به کار گرفته شده اند.

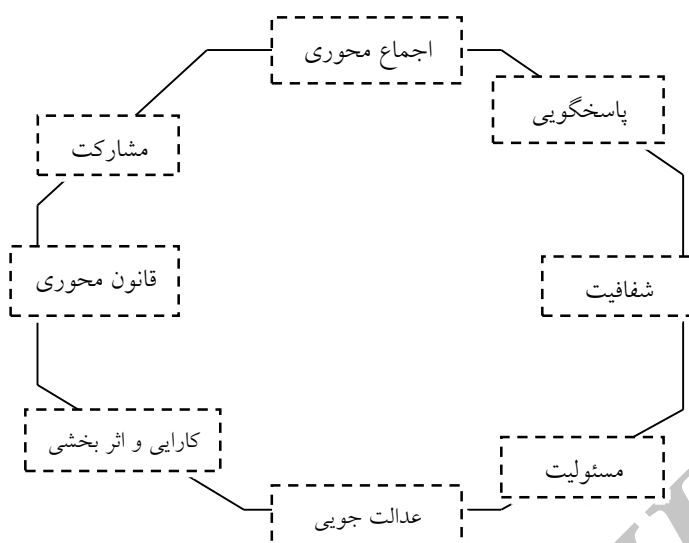
۵) اجماع محوری: در سطح جامعه کنشگران زیادی با نقطه نظرات مختلف حضور دارند. حکمرانی خوب می بایست منافع متفاوت گروههای گوناگون را با دستیابی به یک اجماع گسترده فراهم نماید. تصمیم گیری مبتنی بر اجماع فرایندی است که در آن قدرت شخصی و کنترل اطلاعات تابع بحث باز و صادقانه پیرامون موضوعات است. اجماع محوری نیازمند درک درستی از دورنمای بلند مدت توسعه انسانی پایدار و شیوه رسیدن به اهداف در این نوع از توسعه است.

۶) تساوی حقوق و جامعیت: رفاه و سلامت در یک جامعه زمانی بوجود می آید که تمام اعضای آن احساس کنند در جریان تحولات آن قرار دارند و به نوعی خود را عضو تأثیر گذار پندارند. این موضوع جز با ایجاد فرصت برای اقشار آسیب پذیر جهت بهبود وضعیت رفاه و آسایش خود میسر نمی شود.

۷) پاسخگویی: پاسخگویی یک نیاز کلیدی برای حکمرانی خوب به شمار می رود. نه تنها نهادهای دولتی، بلکه بخش خصوصی و سازمانهای غیر انتفاعی و غیر دولتی نیز باید به عموم مردم، خاصه ذینفعان خود، پاسخگو باشند. اینکه پاسخگویی از طرف چه کسی و به چه فردی است بر حسب نوع تصمیمات و فعالیتهای سازمانها و افراد متغیر است. در حالت کلی هر سازمانی در قبال کسانی که به وسیله کارهای انجام شده توسط سازمان تأثیر می پذیرند، پاسخگوست. نکته مهم اینجاست که پاسخگویی تنها از طریق اعمال شفافیت و حاکمیت قانون اجرایی می شود.

۸) کارآیی و اثر بخشی: حکمرانی خوب به معنای آنست که فرایندها و نهادها در راستای نیاز جامعه عمل کنند و بهترین استفاده را از منابع بنمایند. مفهوم کارآیی در زمینه حکمرانی خوب در بر گیرنده استفاده صحیح از منابع طبیعی در جهت توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست نیز هست و فقط به معنای فنی کارآیی نیست (HABITAT-UN، ۲۰۰۹).

"UNDP" نیز خصوصیات و شاخصهائی برای حکمرانی خوب معرفی می کند که در آن بر پاسخگویی، اجماع محوری، مشارکت، قانون محوری، کارائی و اثربخشی، عدالت، برابری، مسئولیت پذیری و شفافیت تأکید شده است. نمودار ذیل به تبیین شاخصهای فوق می پردازد.



نمودار ۱: شاخص‌های حکمرانی خوب (منبع: UN ESCAP, ۲۰۰۲)

جمع بندی چارچوب نظری

در این تحقیق با توجه به فرآیند کار از ۳ نظریه پرداز سرمایه اجتماعی و یک نظریه پرداز طبقه اجتماعی بهره جسته و در یک جدول مطالب مرتبط با بررسی هر یک از صاحب نظران آورده می شود.

جدول (۱): بررسی نظریات صاحب نظران عوامل اجتماعی

متغیر کشف شده	فرضیه استنتاج شده	تعمیم ایده به وسیله استدلال به موضوع مورد بررسی	ایده اساسی	صاحب نظر	ردیف
سرمایه اجتماعی	فرضیه رابطه سرمایه اجتماعی و توفیق شورایاران	سرمایه اجتماعی ناظر بر ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی، هنجارها و اعتماد متقابل ناشی از آنهاست	سرمایه اجتماعی	رابرت پاتنام	۱
اعتماد اجتماعی	فرضیه رابطه اعتماد اجتماعی و توفیق شورایاران	هر چه سطح اعتماد در جامعه ای بالاتر باشد احتمال همکاری بیشتر خواهد بود	اعتماد اجتماعی		
مشارکت اجتماعی	فرضیه رابطه مشارکت اجتماعی و توفیق شورایاران	هر چه شبکه های اجتماعی بین افراد متراکم تر باشد احتمال بیشتری وجود دارد که شهروندان بتوانند در جهت منافع همکاری کنند	شبکه های اجتماعی		
سرمایه اجتماعی	فرضیه رابطه سرمایه اجتماعی و توفیق شورایاران	سرمایه اجتماعی به نوعی شبکه‌ای بادوام از روابط کمابیش نهادینه شده و شناخت متقابل و عضویت در یک گروه با هدف ایجاد یا باز تولید روابط اجتماعی است	سرمایه اجتماعی	پیر بوردیو	۲
مشارکت اجتماعی	فرضیه رابطه مشارکت اجتماعی و توفیق شورایاران	سرمایه اجتماعی دسترسی به خدمات گروه را آسان می سازد و به اندازه شبکه پیوندهایی است که فرد می تواند بطرز موثری بسیج کند	شبکه ها و روابط اجتماعی		
سرمایه اجتماعی	فرضیه رابطه سرمایه اجتماعی و توفیق شورایاران	مفهوم سرمایه اجتماعی نشان دهنده آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می تواند به عنوان منبعی برای ایجاد روابط اجتماعی بین افراد آن گروه عمل کند	سرمایه اجتماعی	جیمز کلنن	۳

اعتماد اجتماعی	فرضیه رابطه اعتماد اجتماعی و توفیق شورایاران	سرمایه اجتماعی در روابط بین افراد ناشی از اعتماد اجتماعی تجلی می یابد	اعتماد اجتماعی		
مشارکت اجتماعی	فرضیه رابطه مشارکت اجتماعی و توفیق شورایاران	وجود سرمایه اجتماعی در رابطه اجتماعی و هنجارهای اجتماعی موجود بین گروه‌ها، کار مشارکتی را تسهیل می کند	هنجارها و روابط بین گروه ها		
طبقه اجتماعی	فرضیه رابطه طبقه اجتماعی و توفیق شورایاران	طبقه اجتماعی، مجموعه افرادی است که فرصت های مشترکی در روابط بازاری دارند، یعنی از منظر خرید، درآمد و مصرف، وضعیت مشابهی دارند	منزلت اجتماعی	ماکس وبر	۴

فرضیه های تحقیق

۱. بالا بودن میزان سرمایه اجتماعی شهروندان منجر به افزایش میزان موفقیت شورایاران می شود.
۲. بالا بودن میزان اعتماد اجتماعی شهروندان منجر به افزایش میزان موفقیت شورایاران می شود.
۳. بالا بودن میزان مشارکت اجتماعی شهروندان منجر به افزایش میزان موفقیت شورایاران می شود.
۴. بالا بودن میزان انسجام اجتماعی شهروندان منجر به افزایش میزان موفقیت شورایاران می شود.
۵. سطح طبقه اجتماعی شهروندان در افزایش میزان موفقیت شورایاران موثر است.
۶. با بالا رفتن طبقه اجتماعی افراد، سطح سرمایه اجتماعی محلات بالا رفته و در نهایت موفقیت شورایاران افزایش می یابد.
۷. موفقیت شورایاران بر حسب جنسیت شهروندان تفاوت معناداری دارد.
۸. موفقیت شورایاران بر حسب وضعیت تاهل شهروندان تفاوت معناداری دارد.
۹. موفقیت شورایاران بر حسب مدرک تحصیلی شهروندان تفاوت معناداری دارد.
۱۰. سن شهروندان در میزان موفقیت شورایاران تاثیر دارد.

روش شناسی

پژوهش حاضر از نظر روش مطالعه، کمی و از نظر نوع در قلمرو تحقیقات کاربردی قرار می گیرد و برای جمع آوری داده ها از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. همچنین جهت تدوین مبانی و چارچوب نظری پژوهش و با توجه به مرور منابع و تحقیقات پیشین از روش کتابخانه ای (اسنادی) بهره گرفته شده است. جامعه آماری این پژوهش عبارت است از شهروندان محدوده شهرداری منطقه ۱۹ که در یکی از خانه های این منطقه ساکن باشند. طبق اعلام مرکز آمار ملی ایران جمعیت منطقه ۱۹ در سال ۱۳۸۵، بر اساس تعداد زن و مرد ۲۴۹۷۸۶ بوده است که همگی شامل این تحقیق می شوند. جهت برآورد حجم نمونه نیز با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۵ خواهد بود که به همین تعداد پرسشنامه تهیه شده است.

با توجه به بررسیهای به عمل آمده برای جامعه آماری از روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای استفاده شد بدین ترتیب که ابتدا منطقه ۱۹ به تعداد محلات (۱۲ محله) به سه خوشه تقسیم و سپس از هر خوشه یک محله انتخاب گردید. بطوریکه در این تحقیق محلات خانی آباد شمالی، شریعتی جنوبی و شکوفه جنوبی انتخاب شدند. سپس محلات انتخاب شده به بلوک های یکسان تقسیم و به تصادف بلوکهایی انتخاب شد. در این مرحله با استفاده از روش نمونه گیری سیستماتیک، واحدهای مسکونی انتخاب و با افراد بالای ۱۸ سال سن مصاحبه شده است.

به منظور اعتبارسنجی پرسشنامه از روش اعتبار صوری استفاده شده است، بدین گونه که پرسشنامه در اختیار اساتید راهنما و مشاور قرار گرفته و با تأسی از نقطه نظرات آنان اعتبار پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفته است.

همچنین به دلیل کیفی بودن داده ها برای تعیین پایایی از فرمول «آلفای کرونباخ» و از برنامه ی محاسباتی SPSS استفاده گردیده است. داده های مربوط به محاسبات «آلفای کرونباخ» پرسش نامه در زیر آمده است.

جدول (۲): میزان آلفای به دست آمده برای هر یک از شاخص های تحقیق

شاخص	ضریب آلفای کروناخ	تعداد گویه
موفقیت شورایاران	۰/۸۲۹	۲۰
سرمایه اجتماعی (در کل)	۰/۸۰۳	۳۹
انسجام اجتماعی	۰/۸۵۴	۱۴
مشارکت اجتماعی	۰/۸۵۰	۱۰
اعتماد اجتماعی	۰/۸۱۷	۱۵
طبقه اجتماعی	۰/۷۰۲	۵

با توجه به آنکه میزان آلفای بدست آمده از ۰/۷ به بالا می باشد پس پرسشنامه از دوایی لازم برخوردار است.

یافته ها

براساس یافته های این پژوهش ۴۹/۹ درصد از پاسخگویان زن و ۵۰/۱ درصد مرد بودند. ۵۵/۳ درصد از پاسخگویان بین ۱۷ تا ۴۰ سال سن داشتند. ۳۵/۱ درصد از ۴۱ تا ۶۴ و ۹/۶ درصد بیش از ۶۴ سال داشتند. ضمن آنکه ۸۲/۱ درصد متأهل بوده و ۱۶/۴ درصد مجرد و مابقی سایر وضعیت را داشتند.

هیچ یک از پاسخگویان بدون درآمد نبوده ولی ۳۹/۵ درصد بین ۷۰۱ هزار تومان تا یک میلیون تومان و ۳۸/۲ درصد بین ۴۵۱ تا ۷۰۰ هزار تومان درآمد داشته و ۱۰/۶ درصد کمتر از ۴۵۰ هزار تومان بوده اند. ۹/۹ درصد بین ۱ تا ۱/۵ میلیون تومان و ۱/۸ درصد بیش از ۱/۵ میلیون تومان درآمد داشته اند.

در این پژوهش ۷۶/۴ درصد زیر دیپلم، ۲/۱ دیپلم، ۳/۱ درصد فوق دیپلم، ۱۴/۳ درصد لیسانس، ۱/۶ درصد فوق لیسانس و ۲/۶ درصد دکترا داشته اند. با توجه به تعیین وضعیت شغلی پاسخگویان به ۶ طبقه شغلی ۱ (بسیار بالا، بالا، متوسط بالا، متوسط، متوسط پایین و پایین) بیشترین فراوانی با ۴۴/۹ درصد مشاغل پایین را داشته اند. ۷/۵ درصد متوسط پایین، ۹/۴ درصد متوسط، ۱۷/۱ درصد متوسط بالا، ۱۱/۷ بالا و ۹/۴ درصد مشاغل بالای جامعه را داشته اند.

به طور متوسط میانگین نمره اعتماد اجتماعی شهروندان منطقه ۱۹ شهر تهران، ۳۸/۱۷ می باشد و نمره ۵۰ درصد از شهروندان منطقه ۱۹ از ۳۸ کمتر و بیشترین فراوانی در نمره های اعتماد اجتماعی، مربوط به نمره ۳۳ می باشد. بنابراین میزان اعتماد شهروندان متوسط گزارش شده است. همچنین به طور متوسط میانگین نمره انسجام اجتماعی شهروندان منطقه ۱۹ شهر تهران، ۳۳/۲۲ می باشد و نمره ۵۰ درصد از شهروندان منطقه ۱۹ از ۳۱ کمتر و بیشترین فراوانی در نمره های انسجام اجتماعی، مربوط به نمره ۳۰ می باشد. بنابراین میزان انسجام اجتماعی شهروندان متوسط گزارش شده است و نیز به طور متوسط میانگین نمره مشارکت اجتماعی شهروندان منطقه ۱۹ شهر تهران، ۱۶/۳۷ می باشد و نمره ۵۰ درصد از شهروندان منطقه ۱۹ از ۱۴ کمتر و بیشترین فراوانی در نمره های مشارکت اجتماعی، مربوط به نمره ۱۱ می باشد. بنابراین مشارکت شهروندان پایین گزارش شده است. با توجه به آنکه این ۳ عامل ابعاد سرمایه اجتماعی بوده اند، میانگین سرمایه اجتماعی چنین گزارش شده است: به طور متوسط میانگین نمره سرمایه اجتماعی شهروندان منطقه ۱۹ شهر تهران، ۸۷/۷۶ می باشد و نمره ۵۰ درصد از شهروندان منطقه ۱۹ از ۸۱ کمتر و بیشترین فراوانی در نمره های سرمایه اجتماعی، مربوط به نمره ۷۸ می باشد. بنابراین میزان سرمایه اجتماعی بالا گزارش شده است.

بر طبق آمار ۵۱/۷ درصد شهروندان در طبقه پایین، ۳۰/۱ درصد در طبقه متوسط و ۱۸/۱ درصد در طبقه بالا طبقه بندی می شوند.

^۱ براساس پایان نامه علیزاده و رضایی (سال ۱۳۸۶)

همچنین به طور متوسط میانگین نمره موفقیت شورایاران از دیدگاه شهروندان منطقه ۱۹ شهر تهران، ۲۲/۵۵ می باشد و نمره موفقیت شورایاران ۵۰ درصد از شهروندان منطقه ۱۹ از ۲۴ کمتر و بیشترین فراوانی در نمره های موفقیت شورایاران، مربوط به نمره ۲۳ می باشد. بنابراین میزان موفقیت شورایاران پایین گزارش شده است.

بررسی و تحلیل آزمون فرضیه ها

از میان فرضیه هایی که برای متغیر موفقیت شورایاران در نظر گرفته شده بود، فرضیه های زیر تایید نشد:

- موفقیت شورایاران بر حسب جنسیت شهروندان تفاوت معناداری دارد.
- موفقیت شورایاران بر حسب وضعیت تاهل شهروندان تفاوت معناداری دارد.
- موفقیت شورایاران بر حسب مدرک تحصیلی شهروندان تفاوت معناداری دارد.
- سن شهروندان در میزان موفقیت شورایاران تاثیر دارد.

آزمون فرضیه ها

فرضیه های دیگر بر اساس جدول زیر به این صورت تایید شده اند:

جدول (۳): جدول آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل سرمایه، اعتماد، مشارکت، انسجام و طبقه اجتماعی با متغیر وابسته

متغیر وابسته (موفقیت شورایاران)		متغیرهای مستقل
ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	
۰/۴۸۶**	۰/۰۰۰	سرمایه اجتماعی (کل)
۰/۴۶۸**	۰/۰۰۰	اعتماد اجتماعی
۰/۴۲۵**	۰/۰۰۰	انسجام اجتماعی
۰/۳۷۳**	۰/۰۰۰	مشارکت اجتماعی
۰/۲۲۰*	۰/۰۳	طبقه اجتماعی

** معنادار در سطح ۰/۰۱ - * معنادار در سطح ۰/۰۵

۱) بالا بودن میزان سرمایه اجتماعی شهروندان منجر به افزایش میزان موفقیت شورایاران می شود. تفسیر: در فاصله اطمینان ۹۹ درصد سطح معناداری $Si g= /۰۰۰$ می باشد که بیانگر معنادار بودن رابطه ی دو متغیر مذکور است. شدت این رابطه با توجه به میزان $|r|$ سنجیده می شود؛ با توجه به اینکه این میزان $R= /۴۸۶$ می باشد. بیانگر یک رابطه ی مستقیم و قوی بین دو متغیر است. به عبارتی با افزایش میزان سرمایه اجتماعی شهروندان میزان موفقیت شورایاران افزایش پیدا می کند.

۲) بالا بودن میزان اعتماد اجتماعی شهروندان منجر به افزایش میزان موفقیت شورایاران می شود. تفسیر: در فاصله اطمینان ۹۹ درصد سطح معناداری $Si g= /۰۰۰$ می باشد که بیانگر معنادار بودن رابطه ی دو متغیر مذکور است. شدت این رابطه با توجه به میزان $|r|$ سنجیده می شود؛ با توجه به اینکه این $R= /۴۶۸$ می باشد. بیانگر یک رابطه ی قوی و مستقیم بین دو متغیر است. به عبارتی با افزایش اعتماد اجتماعی شهروندان میزان موفقیت شورایاران افزایش پیدا می کند.

۳) بالا بودن میزان انسجام اجتماعی شهروندان منجر به افزایش میزان موفقیت شورایاران می شود. تفسیر: در فاصله اطمینان ۹۹ درصد سطح معناداری $Si g= /۰۰۰$ می باشد که بیانگر معنادار بودن رابطه ی دو متغیر مذکور است. شدت این رابطه با توجه به میزان $|r|$ سنجیده می شود؛ با توجه به اینکه این میزان $R= /۴۲۵$ می باشد. بیانگر یک رابطه ی مستقیم و قوی بین دو متغیر است. به عبارتی با افزایش میزان انسجام اجتماعی شهروندان میزان موفقیت شورایاران افزایش پیدا می کند.

۴. بالا بودن میزان مشارکت اجتماعی شهروندان منجر به افزایش میزان موفقیت شورایاران می شود.
تفسیر: در فاصله اطمینان ۹۹ درصد سطح معناداری $Si\ g=0.000$ می باشد که بیانگر معنادار بودن رابطه ی دو متغیر مذکور است. شدت این رابطه با توجه به میزان $|r|$ سنجیده می شود؛ با توجه به اینکه این میزان $R=0.373$ می باشد. بیانگر یک رابطه ی مستقیم و قوی بین دو متغیر است. به عبارتی با افزایش میزان مشارکت اجتماعی شهروندان میزان موفقیت شورایاران افزایش پیدا می کند.
۵. بالا بودن میزان طبقه اجتماعی شهروندان منجر به افزایش میزان موفقیت شورایاران می شود.
تفسیر: در فاصله اطمینان ۹۹ درصد سطح معناداری $Si\ g=0.003$ می باشد که بیانگر معنادار بودن رابطه ی دو متغیر مذکور است. شدت این رابطه با توجه به میزان $|r|$ سنجیده می شود؛ با توجه به اینکه این میزان $R=0.220$ می باشد، بیانگر یک رابطه ی مستقیم بین دو متغیر است. به عبارتی هر چه طبقه اجتماعی شهروندان بالاتر باشد میزان موفقیت شورایاران نیز افزایش می یابد.
۶. با بالا رفتن طبقه اجتماعی افراد، سطح سرمایه اجتماعی محلات بالا رفته و در نهایت موفقیت شورایاران افزایش می یابد.
تفسیر: براساس این جدول با توجه به آنکه با بالا رفتن طبقه اجتماعی موفقیت شورایاران افزایش می یابد و نیز با بالا رفتن سرمایه اجتماعی موفقیت شورایاران افزایش یافته است، بنابراین رابطه بین افزایش طبقه و افزایش سرمایه اجتماعی تایید و در مجموع با بالا رفتن این عوامل اجتماعی موفقیت شورایاران افزایش می یابد.

تحلیل رگرسیونی

جدول (۴): جدول مشخص کننده های کلی تحلیل رگرسیونی تأثیر اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، طبقه اجتماعی شهروندان بر موفقیت شورایاران.

شاخص آماری مدل	ضریب همبستگی R	ضریب تعیین R^2	مقدار F	درجه آزادی	سطح معناداری
اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، سن، طبقه اجتماعی	۰/۵۴۹	۰/۵۷۳	۰/۲۳۵	۲۱/۶۴۹	۰/۰۰۰

تفسیر: متغیرهای مستقل اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، طبقه اجتماعی و سن شهروندان توانایی پیش بینی یا تبیین ۵۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته موفقیت شورایاران را دارا می باشند.

جدول (۵): جدول ضرایب رگرسیونی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

شاخص آماری مدل	ضرایب رگرسیون	خطای استاندارد	بتای استاندارد	T	سطح معناداری
ضریب ثابت	-۸/۴۵۲	۴/۱۰۰	-	۶/۳۱۱	۰/۰۰۰
انسجام اجتماعی	۰/۴۲۵	۰/۱۰۸	۰/۲۴۷	-۴/۳۴۷	۰/۰۰۰
مشارکت اجتماعی	۰/۳۷۳	۰/۰۶۶	۰/۰۹۱	۱/۷۲۷	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی	۰/۴۶۸	۰/۰۷۴	۰/۳۲۴	-۲/۰۲۱	۰/۰۰۰
طبقه اجتماعی	۰/۲۲۰	۰/۱۲۷	۰/۰۴۷	۱/۰۲۶	۰/۰۰۳

با توجه به میزان بتای متغیرهای مستقل متوجه می شویم که ابتدا متغیر سرمایه اجتماعی دارای بیشترین میزان بتا می باشد و از میان مولفه های سرمای اجتماعی متغیر اعتماد اجتماعی به مراتب سهم بیشتری در مقایسه با سایر متغیرها در پیش بینی متغیر وابسته موفقیت شورایاران دارد؛ زیرا یک واحد متغیر در انحراف معیار آن باعث می شود تا انحراف معیار متغیر وابسته (نمره) به اندازه ۴۶۸/ تغییر کند.

تحلیل مسیر

آزمون رگرسیون چند متغیره برای شناسایی روابط غیر مستقیم بین مشارکت گروهی و اجتماعی و متغیرهای مستقل جهت به دست آوردن مدل تجربی تحقیق:

جدول (۶): جدول مشخص کننده های کلی تحلیل رگرسیونی تأثیرانجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، طبقه اجتماعی و سن بر موفقیت شورایاران (به روش گام به گام برای تحلیل مسیر)

شاخص آماری مدل	ضریب همبستگی	R ²	F	سطح معناداری
اعتماد اجتماعی	۰/۴۶۸	۰/۲۱۹	۱۰۴/۸۵۱	۰/۰۰۰
انجام اجتماعی	۰/۷۰۲	۰/۴۹۲	۳۶۱/۴۳۲	۰/۰۰۰
مشارکت اجتماعی	۰/۷۱۶	۰/۵۱۲	۳۹۱/۴۳۶	۰/۰۰۰
طبقه اجتماعی	۰/۸۲۲	۰/۶۷۵	۷۷۴/۳۸۷	۰/۰۰۰

ابتدا موفقیت شورایاران به عنوان متغیر وابسته و دیگر متغیرهای پژوهش به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته می شوند. در خروجی به دست آمده با توجه به اینکه متغیر مستقل اعتماد اجتماعی دارای بیشترین میزان بتا $\beta=۰/۴۶۸$ می باشد در مرحله بعد به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می شود. به عبارتی متغیر مستقل اعتماد اجتماعی به میزان ۲۱ درصد قابلیت تبیین متغیر وابسته موفقیت شورایاران را دارد؛ در مرحله بعد در خروجی به دست آمده متغیر مستقل میزان انجام اجتماعی با بتای $\beta=۰/۷۰۲$ به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می شود. به عبارتی متغیر میزان انجام اجتماعی به میزان ۴۹ درصد توانایی پیش بینی متغیر وابسته اعتماد اجتماعی را دارد. با توجه به اینکه در این مرحله میزان انجام اجتماعی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می شود از میان متغیرهای مستقل در خروجی به دست آمده متغیر میزان مشارکت اجتماعی دارای بیشترین بتا $\beta=۰/۷۱۶$ می باشد که در مرحله بعد به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می شود. به عبارتی به میزان ۷۱ درصد قابلیت پیش بینی متغیر وابسته انجام اجتماعی را دارد. در مرحله بعد که متغیر میزان مشارکت اجتماعی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد متغیر مستقل انجام طبقه اجتماعی دارای بیشترین بتا $\beta=۰/۸۲۲$ می باشد. به عبارتی متغیر مستقل طبقه اجتماعی به میزان ۶۷ درصد قابلیت تبیین متغیر وابسته میزان مشارکت اجتماعی را دارد و معادله تحلیل مسیر در همین مرحله متوقف می شود به دلیل اینکه از میان متغیرهای مستقل باقیمانده، هیچ کدام توانایی تبیین متغیر طبقه را ندارند. در نهایت مدل نهایی تحلیل مسیر به شکل زیر بدست آمد:

بحث و نتیجه گیری

با توجه به اینکه ارزیابی میزان موفقیت شورایاران از دیدگاه شهروندان و نیز شناسایی عوامل موثر بر موفقیت شورایاران و مقایسه آنها با یکدیگر از اهداف این تحقیق بوده است، نخست به بررسی نتایج بدست آمده در این اهداف می پردازیم:

بر اساس نتایج بدست آمده ۷۳/۹٪ از شهروندان میزان موفقیت شورایاران را در حد پایین ارزیابی و عملکرد شورایاران خود را ناموفق دانستند. براساس نتایج بدست آمده در تحقیقات پیشین که در بخش های گذشته انجام شده است^۱، این نتیجه قابل پیش بینی بود. نتایج حاصل از آنها نشان می دهد که ساخت و سازهای جدید و مهاجرت و وجود فرهنگ های مختلف ارتباط ساکنین محله با هم به حداقل رسانده و موجب شده تا مشارکت مردم جهت رسیدگی به مشکلات محله در سطح پایینی قرار گیرد. همچنین نهاده نشدن شورایاری ها و عدم حمایت جدی دولت و سازمانها و همچنین اطلاع رسانی ضعیف و تبلیغات محدود شورایاری ها موجب شده تا ۵۰ درصد از مردم شناختی از شورایاری ها نداشته باشند و از وظایف و فعالیت های آنان آگاه نباشند. این اظهار بی اطلاعی ناشی از عدم ارتباط مستقیم مردم با شورایاری ها بوده است. با توجه به این موضوع و اینکه براساس اظهارات مدیران شهرداری تهران^۲ درباره موفقیت شورایاران در اهداف خود چنین به نظر می رسد که عدم اطلاع رسانی مناسب و نبود تعامل مناسب و پیوسته بین شورایاران

^۱ نگاهی به پایان نامه سیده مریم امامی (۱۳۹۱)، بررسی مردم شناختی مشارکت مردم در شورایاری محله (مطالعه موردی محله کارون شمالی)

^۲ نگاهی به مصاحبه معاون اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران در خبرگزاری میراث فرهنگی- گروه میراث فرهنگی- ۲۳/۶/۱۳۸۷

و شهروندان فاصله آنها را با بدنه مردمی کم شده و شهروندان از عملکرد آنها اظهار بی اطلاعی می کنند یا عملکرد آنان را مطلوبی ارزیابی نکرده اند. بنابراین اگر بپذیریم که مسئولان اجرایی طرح شورایاری را موفق ارزیابی کرده و بر عملکرد آن صحنه می گذارند، باید بپذیریم که شهروندان از کارکرد و فعالیت شورایاران مطلع نبوده و نتوانستند به حقیقت آنها را ارزیابی کنند. همانطور که در بخش گزارش های آماری این پایان نامه آمده میزان شناخت مردم از فعالیت های شورایاران اندک است. یعنی میزان ارزیابی پایین شهروندان از عملکرد شورایاران ناشی از کم اطلاعی آنان از فعالیتهای انجام گرفته در سطح محله شان بوده است. برای پاسخ به این سؤال عواملی چون میزان سرمایه اجتماعی و طبقه اجتماعی شهروندان مورد ارزیابی قرار گرفته است به بررسی جداگانه هریک خواهیم پرداخت:

۱) نتایج بدست آمده در این تحقیق نشان می دهد که سرمایه اجتماعی بیشترین تاثیر را در موفقیت شورایاران دارد که این موضوع در تحقیقات پیشین نیز دیده می شود.^۱ در این تحقیق ۳ عامل موثر اعتماد، انسجام و مشارکت مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که این سه عامل در افزایش سرمایه اجتماعی و نیز در نهایت افزایش موفقیت شورایاران تاثیر گذارند. بطوریکه اعتماد بیشترین تاثیر و به ترتیب انسجام و مشارکت در رده های بعدی قرار گرفته اند.

۲) از طرفی بررسی طبقه اجتماعی شهروندان منطقه ۱۹ نشان می دهد که پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنها در میزان موفقیت شورایاران تاثیر دارد. پژوهش های پیشین نیز این رابطه را تایید می نمایند.^۲ همانطور که در این تحقیق آمده است، ۵۱/۷ درصد شهروندان در طبقه پایین، ۳۰/۱ درصد در طبقه متوسط و ۱۸/۱ درصد در طبقه بالا طبقه بندی می شوند. بنابراین طبقه اجتماعی در تعیین موفقیت شورایاران موثر است.

از مجموع مقایسه عوامل موثر بر موفقیت شورایاران نیز اینطور بیان میگردد علیرغم تاثیر گذاری هر دو در موفقیت شورایاران نقش سرمایه اجتماعی پررنگ تر است بطوریکه در آزمون ها و مدل تحلیل مسیر نیز دیده شد سرمایه اجتماعی موثرترین و طبقه اجتماعی کم تاثیرترین عامل بوده است. در مجموع نتایج این تحقیق نشان می دهد که سرمایه اجتماعی و طبقه اجتماعی در موفقیت شورایاران تاثیر گذارند، از طرفی نتایج نشان می دهد طبقه اجتماعی بر سرمایه اجتماعی اثرگذار است و این نشان می دهد که افزایش یا کاهش یکی موجب افزایش یا کاهش دیگری خواهد شد. همچنین میزان موفقیت شورایاران نیز مورد بررسی و موفقیت آنها کم گزارش شده است.

پیشنهادها

اگر بپذیریم که شورایاران بعنوان سرمایه اجتماعی، دارای جایگاه مهمی برای افراد و گروه های محلی است و بپذیریم که مدیریت شهری الزاما چه بخواهد و چه نخواهد بر ایجاد و توسعه سرمایه اجتماعی تأثیر دارد، پس باید در برنامه ها و سیاست های خود به صورت تعمدی و آگاهانه بر سرمایه اجتماعی تأکید و توجه کند. مدیران شهری باید در نحوه انتخاب هدف خود برای استفاده از سرمایه اجتماعی و سرمایه گذاری در آن دقت کنند. همچنین شورایاران باید از سرمایه اجتماعی نهفته محلات برای ارتقای موفقیت خود بهره لازم را ببرند. آنها با همراهی مدیریت شهری برای افزایش سرمایه اجتماعی در حوزه چند راه برای انتخاب دارند که بستگی به موضوع مورد بررسی، می توان از یکی از رهیافت های زیر استفاده کرد:

۱- ایجاد و تقویت شبکه های اجتماعی محلات: با توجه به آنکه میزان مشارکت شهروندان در این منطقه پایین است، شورایاران باید به ایجاد شبکه در محلات پرداخته یا شبکه های موجود را تقویت کنند. مدیریت شهری نیز برای حصول اطمینان از موفقیت برنامه، به تشکیل یا تقویت شبکه پردازد. دیدگاه سرمایه اجتماعی تأکید بر این دارد که طراحی و اجرای برنامه های

^۱ نگاهی به پایان نامه مهدی شهبازی (۱۳۸۸)، مطالعه جامعه شناختی نقش سرمایه اجتماعی شورایاری های محله ها در توسعه محلی شهر تهران.

^۲ با نگاهی به مقاله پایگاه اقتصادی - اجتماعی و مصرف کالاها فرهنگ، محسن فردرو و شهناز صداقت زادگان (۱۳۷۹)

مدیریت شهری باید به گونه‌ای باشد که امکان و فرصت تعامل بین گروه‌های مختلف را فراهم آورد تا منابع موجود برای شبکه دارای تنوع شوند. به عبارت دیگر، ایجاد شبکه باید بین گروه‌های مختلفی صورت گیرد نه ایجاد شبکه در بین اعضای یک گروه متجانس. وجود سراهای محله و استفاده بهینه از آنها از وجود برنامه‌هایی در شهرداری تهران برای ایجاد شبکه‌ها یا تقویت آنهاست.

۲- ایجاد شرایط مطلوب برای حضور شورایاری در محلات: با توجه به آنکه میزان شناخت مردم از شورایاری‌ها کم برآورد شده است و هنوز مردم آشنایی کافی با شورایاران ندارند، شورایاران باید از طرق مختلف به تعامل و اطلاع رسانی به مردم بپردازند. شورایاران بعنوان بزرگترین فرصت و ظرفیت برای تعامل اجتماعی و کمک به کارگزاران اجتماعی در محلات به حساب می‌آید. از اینرو ایجاد شرایط مطلوب در محلات به برقراری تعاملات سطح محله کمک شایسته‌ای خواهد کرد. استفاده از فرصت مساجد، هیات و انجمن‌ها و اجتماعات محلی، استفاده درست از ظرفیت سراهای محله و سایر مراکز محلی و استفاده درست از ظرفیت‌های شبکه‌های اطلاع رسانی محلی مثل همشهری محله و سایر، ایجاد رسانه‌های مجازی و استفاده از فضاهای شبکه‌های مجازی از توصیه‌های این رهیافت است.

۳- تقویت مبانی سیاست گذاری در راستای توسعه مشارکت‌های عمومی محلات: در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی براساس نیاز و شرایط محلات برای تقویت شورایاران و ایجاد انگیزه مشارکت بین آنها و شهروندان از سوی مدیریت شهری ضروری است. از جمله این برنامه‌های پیشنهادی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- الف- شناسایی، تبادل اطلاعات و جلب مشارکت از گروه‌ها و پایگاه‌های مردم نهاد سنتی (مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، هیئات مذهبی و جلسات قرآنی) از طریق برگزاری همایش عمومی و جلسات تخصصی و حوزه بندی توانایی‌های آنان جهت مشارکت فعال در اداره امور شهر
- ب- شناسایی، همکاری و مشارکت موثر با سازمان‌های غیردولتی، شورایاری‌ها و نخبگان و فرهیختگان در خصوص موضوعات مورد نیاز شهرداری از طریق برگزاری همایش عمومی و جلسات تخصصی و حوزه بندی توانایی‌های آنان جهت مشارکت فعال در اداره امور شهر
- ج- حمایت از طرح‌ها و برنامه‌های مفید در حوزه آموزش و مشارکت‌های شهروندی ارایه شده از سوی گروه‌ها و پایگاه‌های مردم نهاد
- د- توانمندسازی و شبکه‌سازی گروه‌ها و پایگاه‌های مردم نهاد در جهت اهداف، مأموریت‌ها و وظایف شهرداری
- ه- جهت تقویت مشارکت به جز استفاده از نهادهای مدنی غیردولتی، مردم نهاد سنتی و خیریه می‌توان به تقویت تحزب پرداخت و فرهنگ مشارکت را از طریق فعالیت‌های اقتصادی و همسویی منافع اجتماعی ایجاد کرد.

۴- ایجاد نگرش مثبت به مشارکت اجتماعی و جلب اعتماد عمومی مردم نسبت به مسئولین و در سطحی دیگر ایجاد اعتماد بین شهروندان از مهمترین وظایف شورایاران است. با توجه به اینکه اعتماد عمومی در این منطقه نسبی است می‌توان با برنامه ریزی مشارکتی شهروندان بیشتری را در برنامه‌ها فعال کرد. برگزاری همایش‌های خانوادگی و فعالیت‌هایی که بیشتر اعضای خانواده درگیر هستند می‌تواند به این فعالیت کمک نماید. برنامه ریزی برای جلب مشارکت مردمی از جانب دستگاه‌های دولتی و مدیریتی بر مبنای نیازهای واقعی مردم و در راستای اهداف قابل دستیابی باشد.

۵- واگذاری مسئولیت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در برخی از امور شهری به مردم و اهمیت دادن به پیشنهادات و نظرات شهروندان در اداره امور شهر بمنظور تقویت احساس مالکیت بر محیط شهری از مهمترین برنامه‌های پیش روی شورایاران است. بدلیل اینکه اعضای شورایاران بیشترین فعالیت را در سطح محلات دارند، اکنون از مشارکت و همراهی سایر اعضای محله

بی بهره اند. بهتر است با تشکیل کارگروه ها و فعال سازی آنها از دل محلات مسئولیت بیشتری به مردم واگذار کرده و پاسخگویی انتقادات و پیشنهادات آنها باشند.

۶- با توجه به اینکه هر چه میزان رضایت مردم از خدمات مدیریت شهری بیشتر باشد گرایش بیشتری برای مشارکت دارند لذا انجام اقداماتی در جهت افزایش رفاه عمومی و آسایش مردم، توسعه خدمات شهری و امکانات آموزشی، فرهنگی و تفریحی و ایجاد مراکزی برای استفاده از پیشنهادات مردمی در جهت خدمات رسانی بهینه می تواند در راستای جلب مشارکت بیشتر آنها در امور شهری موثر واقع شود. از اینرو توصیه می شود مسئولان شهری با ایجاد مراکز رفاهی و خدماتی در محلات، سطح مشارکت را بالا ببرند.

۷- ساختار زندگی شهری شرایطی را بوجود آورده که منافع عمومی در مقابل منافع فردی رنگ باخته است با توجه به مهاجرت های وسیع از روستا به شهر و همچنین بمنظور توسعه و تقویت میزان احساس تعلق اجتماعی شهروندان با ارائه آموزش های عمومی در ارتباط با فرهنگ شهرنشینی و پایبندی به قوانین و مقررات شهری و آموزش حقوق زندگی شهری به شهروندان زمینه مشارکت اجتماعی آنها را بالا خواهد برد. آموزش از مهمترین فعالیت مدیریت شهری است که باید با کمک شورایاران آن را در محلات محقق سازند. با توجه به آنکه میزان انسجام محلی در این منطقه نسبی بوده است، با تقویت حس تعلق و انسجام شهروندی می توان میزان سرمایه اجتماعی و موفقیت شورایاران را در این منطقه افزایش داد.

۸- عدم اطلاع رسانی مناسب از مهمترین ضعفهای شورایاران در این دوره بوده است. وسایل ارتباط جمعی بخصوص تلویزیون و رادیو از جمله عوامل مهمی در ایجاد روحیه مشارکت در مردم هستند. وسایل ارتباط جمعی موجب افزایش پدیده های تحت عنوان تحرک روانی میگردد و در بین مردم همدلی ایجاد میکند و در نهایت منجر به مشارکت افراد میگردد. از اینرو مسئولان با در اختیار گذاشتن این ابزار و فراهم ساختن زمینه حضور شورایاران در رسانه های عمومی تعامل آنها را از سطح محلات بالاتر برده و با ایجاد انگیزه برای گزارش دهی و پیگیری امور محلات در این رسانه ها به تقویت مشارکت اجتماعی محلات کمک کنند.

۹- و در آخر انجام مطالعه ای بمنظور سنجش نگرش مردم به مشارکت در زمینه های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بمنظور شناسایی پتانسیل های رفتار گرایانه مردم در زمینه مشارکت و بهره گیری از نتایج آن در برنامه ریزی مدیریت مشارکت برای اقشار مختلف ضروری است. این پژوهش در منطقه ۱۹ می تواند راه های افزایش مشارکت و برنامه های مسئولان و شورایاران را برای افزایش مشارکت شناسایی کند.

نتیجه اینکه شورایاران برای تحقق اهداف و برنامه های خود نیازمند حضور مردم و مشارکت آنها در برنامه های توسعه ای خود هستند. از آنجا که زمینه های مشارکت و اعتماد در شهروندان این منطقه وجود دارد، آنها باید فعالیت های خود را در سطح محلات افزایش داده و این باور را در مردم ایجاد نمایند که با کمک و همراهی آنها بسیاری از خواسته ها محقق خواهد شد. از طرفی با برنامه ریزی دقیق از سوی شورای اسلامی شهر تهران بعنوان متولی اصلی شورایاران باید زمینه های همیاری انجمن های شورایاری و مردم فراهم گردد. با توجه به نوشتارهای بالا سه برنامه زیر برای رسیدن به عملکرد مطلوب و موفقیت شورایاران ضروری است مسئولان نیز با ایجاد امکانات زیر به تقویت نهاد شورایاران کمک نمایند:

۱- گسترش فضاهای عمومی: اماکن عمومی همچون بوستان ها، کتابخانه ها، مراکز فرهنگی و سرای محل یا فرهنگسراها، مکان هایی هستند که شهروندان این فرصت را پیدا می کنند که با یکدیگر تعامل و تبادل اجتماعی داشته باشند. در واقع در چنین مکان هایی امکان شکل گیری روابط اجتماعی و در نتیجه ارتقاء سرمایه اجتماعی فراهم می شود.

- ۲- تقویت اجتماعات محلی: انجمن‌های محلی، گروه‌های همسالان و هیأت‌های مذهبی انواع گروه‌های محله محور محسوب می‌شوند. این گروه‌ها هستند که به اهالی محل هویت می‌دهند و اعتماد عمومی را میان آنها به وجود می‌آورند. اجتماعات محلی آن بخشی از جامعه محلی هستند که می‌توانند بار اصلی توسعه محلی را بر دوش بکشند.
- ۳- افزایش اختیارات شورایی‌ها: مشارکت اجتماعی تنها از طریق اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های از پیش تعیین شده میسر نمی‌شود. مشارکت واقعی زمانی تحقق می‌یابد که شهروندان بتوانند از حق تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی توسط نمایندگان بهره‌مند شوند. به‌طور مثال شورایی‌ها توانسته‌اند بستر مناسبی را برای اینکه اجتماعات محلی بتوانند تصمیم‌گیری مشارکتی را تجربه کنند، فراهم کنند.

منابع

۱. آبراهامیان، یراوند (۱۳۷۷). ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشرنی.
۲. ازکیا، مصطفی و ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۴). بررسی جامعه شناختی عوامل کارایی شوراهای اسلامی شهر، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶.
۳. ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴). جامعه شناسی توسعه. تهران: انتشارات کیهان.
۴. اکبری، امین (۱۳۸۳). نقش سرمایه‌ی اجتماعی در مشارکت: بررسی تاثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر مشارکت سیاسی، اجتماعی (مطالعه موردی روستای فارسنج از توابع سقز) دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۵. برک پور، ناصر و ایرج اسدی (۱۳۸۸). مدیریت و حکمرانی شهری. تهران: دانشگاه هنر. معاونت پژوهشی.
۶. پاتنام، روبرت (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
۷. تاملین، ملوین، روین (۱۳۸۵). جامعه شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی، ترجمه ی عبدالحسین نیک گهر، تهران: نشر توتیا.
۸. توسلی، غلامعباس و موسوی، مرضیه (۱۳۸۲). سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تاکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، زمستان ۱۳۸۲، شماره ۲۶.
۹. حسنی، شهلا (۱۳۸۸). نقش و قدرت شورایی‌ها در جذب مشارکت شهروندان، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۱۰. ذکایی، سعید (۱۳۸۳). «رابطه‌ی سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در محلات شهری»، مجموعه مقالات اولین همایش توسعه ای، تهران.
۱۱. زاهدی، محمدجواد (۱۳۸۲). توسعه و نابرابری، تهران: نشر مازیار.
۱۲. شادمان فر، رضا (۱۳۷۷). بررسی تاثیر الگوی مشارکتی شوراییان محلات در شهر تهران بر مشارکت شهروندان تهرانی با مدیریت شهری، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد مدیریت شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۱۳. شهبازی، مهدی (۱۳۸۸). مطالعه جامعه شناختی نقش سرمایه اجتماعی شورایی‌های محله‌ها در توسعه محلی شهر تهران، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه شاهد.
۱۴. طاعتی، آزاده (۱۳۸۸). نگاهی به نقش شورایی‌ها، روزنامه اعتماد، شماره ۱۹۶۰.
۱۵. عظیمی، ناصر (۱۳۸۱). پویای شهرنشینی و نظام شهری، مشهد: نشر نیکا.
۱۶. علائی، سوسن (۱۳۸۸). تشکیل شوراهای محله‌ای برای حل مشکلات شهری، پایان نامه ارشد مدیریت شهری دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات.

۱۷. غریبی، حسن (۱۳۸۹). پیش‌بینی سرمایه اجتماعی براساس متغیرهای زمینه‌ای، فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی، سال دوم، شماره دوم.
۱۸. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: جامعه ایران.
۱۹. کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۲۰. ملک، حسن (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۲۱. ممتاز، فریده (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی شهر، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۲. هال، پیتر و فایفر، اولریخ (۱۳۸۸). آینده شهری قرن ۲۱: برنامه جهانی برای شهرهای قرن بیست و یکم، ترجمه: اسماعیل صادقی و ناهید صفایی، تهران: انتشارات جامعه مهندسان مشاور ایران.
۲۳. وبر، ماکس (۱۳۶۷). مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، ترجمه احمد صدارتی، تهران: انتشارات مرکز.
24. Bourdieu, Pierre, (1997) [(1983)] "The Forms of capital" in A. H. Halsey, Philip, Brown, Lauder Weus, Amy stuart (eds) Education, culture, Economy society, Landon, Oxford University press.
25. Putnam, Robert D. (1999). "The Prosperous Community: Social capital and Public Life" , The American prospect, Inc.
26. Putnam, Robert D. (2000). Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community, New York: Simon & Schuster.
27. Putnam, Robert D. and goss, Kristin A. (2002) "Introduction" In Putnam (ed.), Democracies in Flux, The Evolution of Social Capital in Contemporary Society" , Oxford University press.
28. UN- Escap. (1999) What is Good Governance ? Bankok. Thailand.

Archive